



آتیه‌نو

A T I V E N O

صاحب امتیاز:

موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه
(تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی)
مدیر مسئول و رئیس شورای سیاست گذاری:
ابراهیم رستمیان مقدم
سرمدبیر: اکبر هاشمی
معاون سردبیر: رضا جمیلی
دبیر تحریریه: میترا فردوسی
مدیر هنری: سیدعلی رضا میرزامصطفی
صفحه‌آرایی: حمید ابراهیمی
ویرایش عکس: شبنم رضوانی
ویرایش متن: سمیه جوکار
تحریریه: نسرين ظهیری، فاطمه علی اصغر
آزاده افتخاری، امین جلالوند
مسعود شاه‌حسینی، نگار مفید
محمدحسین قشقایی، بهاره اسلامی
حامد رسولی،مهدی شادمانی، نازنین متین‌نیا
حمیدرضا عبدالوند، مسعود منشیانی
با تشکر از: بیژن رضضانی، ابراهیم باقری،
صولت فروتن، احمدرضا سبزویش
نشانی: خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم
شماره ۲۲، طبقه پنجم
تلفن تحریریه: ۸۸۵۱۷۰۸۵-۶
نمابر: ۸۸۵۱۷۰۸۷
www.Atiyehnoweekly.ir
چاپ: هنر سرزمین سبز
آگهی و اشتراک: ۸۸۵۱۷۰۹۱
ناظر چاپ: علی توتونی



«زیر پوست شهر - ۱۰۶»

نسرین ظهیری

مردی که بیماری را

زیبا می‌کند...

آنها بلندند زیبا زندگی کنند. آنها حتی خوب بلدند بیماری را زیبا کنند. بعضی‌ها عاشق سرخوندند. آنها آدم وقت‌های سخت هستند. آنها دست روزگار را می‌گیرند توی دست‌شان و رفیقانه با خوبی و بدی‌اش قدم می‌زنند. من دیده‌ام آدم‌هایی‌را که چگونه وقت‌سختی کلاف سردرگم زمین و زمان را به هم می‌پیچند. اما در عوض کسانی هستند که وجودشان به بیماری اعتبار می‌بخشد و آنها ناخوشی را شرم‌زده خودشان می‌کنند. اینها را همین دیروز فهمیدم وقتی رفته بودیم تا با مهدی شادمانی عزیز دیدار تازه کنیم. روزنامه‌نگار و ورزشی‌نویسی که فعلا در تخت گوشه خانه‌اش، با خدا رفیقانه می‌دهد و می‌ستانند. او درد و رنج را از خدا می‌خرد و به جایش چیزهایی از او می‌گیرد که رویایش در توان کلمات حقیرم نمی‌گنجد.

داشتیم از دوستان برای تان می‌گفتیم؛ او که جزئی از ماست، بخشی از ما، تکه‌ای از رنج روزنامه‌نگاری‌مان، مردی که صبوری و توکل را دیروز دوباره برای‌مان باز تعریف کرد. ما خدا را دیروز دیدیم؛ نشسته بود کنار تخت و داشت به تعریف‌های مردی گوش می‌داد که روایت دیگری از بیماری‌اش داشت، تلفظ جدیدی از موهبت‌خداوندگاری، بعدازظهر شهریورماه‌مان دیروز قشنگ شد وقتی دیدیم که یکی از ما، درست‌تر بگویم گوشه‌ای از ما، نشسته روی تخت بیماری و همانطور که صفحه ورزشی آتیه‌نورا خوشمزه می‌نویسد، رنج‌ها و درد‌هایش را خنده‌دار تعریف می‌کند تا رسم میهمان‌داری را به‌جا آورد. اینها را گفتیم تا بگویم روزگار یک چیز تعریف‌شده و از پیش معلومی نیست. روزگار یک حادثه است و یک اتفاق بیکوبی. گاهی راه خودش را می‌رود و با هیچ‌کس قول و قرار (همیشه همه چیز خوب) نگذاشته است. اینها را گفتیم که یادم‌ماند این بعدازظهر شهریوری‌بوی پاییز نمی‌داد. یادمان بماند منش شکوه‌مند این مرد و این خانه، مردی که تکه‌ای از ماست و مردی که بلد است زیبا زندگی کند. مردی که بیماری را زیبا می‌کند. همین چند وقت بعد مهدی شادمانی را توی تحریریه خواهیم دید و لابد برای ما روایت‌های نابی دارد تا از روزهای ناخوشی‌اش بگوید و آنها را خاطره کند. روزهایی که صفحه ورزشی با خوش قلمی طنان‌انه‌اش خوانندگان پروپا قرصی خواهد داشت. ما منتظریم تا آن روز خیلی زود بیاید.

سروش صحت با «کتاب‌باز» به شبکه نسیم می‌آید

سروش صحت از ۱۱ شهریور با اجرای فصل دوم برنامه «کتاب‌باز» به شبکه نسیم می‌آید. به گزارش ایلنا، اولین قسمت از برنامه کتاب‌باز ۱۱ شهریورماه ساعت ۲۰ با حضور جمشید منشیانی روی آنتن می‌رود. «کتاب‌باز» از سه بخش گفت‌وگو با میهمان و آیت‌های مختلف تشکیل شده که در بخش پایانی برنامه میهمانان در یک مسابقه شرکت کرده و برای مخاطبان قصه می‌گویند. قرار است برنامه حال خوبی را برای کتاب‌دوستان ایجاد کند و میهمانانی را دعوت می‌کند که به نوعی کتاب‌باز هستند. بخش برنامه «کتاب‌باز» در ایام ماه محرم و صفر نیز ادامه خواهد داشت.

پایتوت

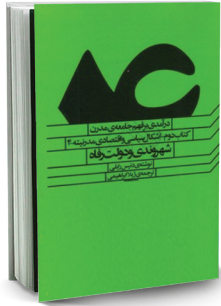
جایی برای حرف‌های خودمانی

۱۶ | آتیه‌نو

شهروندی و دولت رفاه

پیشخوان

کتاب «شهروندی و دولت رفاه» از مجموعه کتاب‌های «فهم جامعه‌مدرن» انتشارات آگه است که به مسئله شهروندی اجتماعی و دولت رفاه می‌پردازد. شهروندی در کل به جایگاه فرد در مقام عضوی از یک جامعه مبتنی است. درواقع این مفهوم را می‌توان چنان گسترش داد که عضویت در جهان را نیز دربرگیرد؛ مانند آرمان محیط‌زیستی «شهروندی جهانی» که در آن تعهد هر شخص نه‌تنها در محدوده مرزهای ملی‌اش که به واسطه جایگاه انسانی‌اش معنا



می‌یابد. دنیس رابلی، نویسنده کتاب ادعا می‌کند شکل‌گیری دولت رفاه تلاشی برای تحقق بخشیدن به وعده حقوق شهروندی بود که به واسطه برابری سیاسی ملحوظ در حق رای عمومی اعطا شده بود. او در فصل‌های نخست کتاب به نقل از ویلیام بورجس، معمار رفاه اجتماعی پس از جنگ جهانی دوم توضیح می‌دهد که هدف دولت رفاه پس از جنگ این بود که امکاناتی فراهم آید تا پاسخگوی نیاز همه افراد خانواده به مسکن، بهداشت و آموزش باشد. با چنین پیشینه سیاسی بود که پیوند میان «شهروندی» و «دولت رفاه» مستحکم شد.

در این دوره، مسئله «شهروندی اجتماعی» که برآمده از دیدگاه سوسیال‌دموکراسی بود، مواردی چون تأمین مسکن، بیمه‌های، تأمین کار برای همه، آموزش، بهداشت، تأمین فرهنگی و... تحت عنوان «حقوق شهروندی» به عنوان وظایف دولت مدنظر قرار گرفت.

از مهر جا نمانند!

بحث داغ شبکه‌های اجتماعی درباره کمپین حمایت از تحصیل کودکان افغانی

یکی دیگر از کاربران به نام نستترول هم از تجربه خود نوشت: «من یک سال در مدرسه خیریه برای شاگردان افغان جامانده از تحصیل تدریس کردم. بچه‌ها با اشتیاقی بی‌نهایت درس می‌خواندند. این بچه‌ها ##ازمهرجانمانند.»

کاربری به نام مگنولیا که خود اصلالتا افغانستانی و زاده ایران است و در شهر قم زندگی می‌کند هم از تجربه خود در این زمینه نوشته است: «سال ۸۴-۸۵ یک‌باره گفتند مهاجرین در پیش دانشگاهی ثبت‌نام نمی‌شوند. اگر سال بعدش قانون عوض نمی‌شد الان ارشدم رو نگرفته بودم.» فرشاد اسماعیلی هم راهی برای حل مشکل را پیشنهاد داد



و نوشت: «هر مهاجری هنگام ثبت‌نام مدرسه، ثبت‌نامش نکردند با این شماره تماس بگیرد، موظفند برای مشکل ثبت‌نامش اقدام کنند: ۰۲۱۲۳۰۶۶۵۰۹» «بابا آب داد. بابا نان داد. بابای کودک افغان به او کار داد.» این هم نوشته‌ای بود که یکی دیگر از کاربران با همین هشتگ منتشر کرد و با استقبال زیادی همراه شد.

یک کاربر با نام احمدخان هم در این زمینه نوشت: «به پدران‌شان، مهربی که در خورشان باشد ندادیم... حداقل کودکان از مهر جا نمانند.» زهرا کهرام از تجربه مشاهدات خود اینطور نوشت: «میترا، دخترک محروم از تحصیل و باهوشی که عاشق درس خوندنه، از روی بسته پفک و خوراکیایی که خریده بود سرمشق می‌نوشت و باسواد شد.»

واکنش‌های چهره‌های شناخته‌شده تویتر هم به این

عید غدیر مبارک!

عکس نوشت

پیامبر در سال دهم هجرت حج گزارد و به سوی مدینه بازگشت. در روز هجدهم ذی‌حجه که قافله‌های بسیاری پیش از پیامبر (ص) حرکت می‌کردند و ده‌ای در پی حضرت می‌آمدند، پیامبر (ص) به سرزمین غدیر خم رسید. او به فرمان الهی دستور داد سواران و پیادگان توقف کنند، آنان که رفته‌اند، بازآیند و آنان که نیامده‌اند، برسند. سپس بر انبوهی از جهاز شتران فراز رفت و خدای را سپاس گفت و از اینکه به زودی از میان آنان خواهد رفت، خبر داد. سپس از آنان خواست درباره چگونگی ابلاغ رسالت وی گواهی دهند. مردمان فریاد برآوردند: شهادت می‌دهیم که تو پیام حق را ابلاغ کردی، نصیحت و جهاد نمودی. خداوند تو را پاداش نیکو دهد. آنگاه از جایگاه والای خود در میان امت سخن گفت و از آنان بر اولویت خود گواه خواست و پس از شنیدن پاسخ‌های یک‌صدا و بلند، دست علی (ع) را گرفت و با شکوهی شگرف و فریادی رسافرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً، فِهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاً» سه بار این جمله را تکرار و بر یاوران و پذیرندگان ولایت او دعا کرد. غدیر، سرچشمه همیشه جوشان ولایت است که از سینه تقطیده «خم» به جام محبت دستداران پیامبر (ص) و خاندانش جاری است. غدیر، تفسیر بدر، احد و شان نزول صفین و نهروان است. بدر، عدالت می‌خواست؛ احد، شجاعت آرزو می‌کرد؛ خیبر تماشای صداقت را تمنا داشت و غدیر، آمین آن همه‌ثنا و دعا بود. عید پیمان و میثاق و عهد است؛ غدیر، عید عدالت و رهبری است.



هشتگ مثال‌زدنی بود. حبیب رضایی بازیگر سینما و تلویزیون در این باره در تویییت نوشت: «مرزها برای کودکان و بازی‌های‌شان معنی ندارد. بزرگترها مرز کشیده‌اند که جهان را به بازی بگیرند. حواس‌مان باشد، ظلم مضاعف نباشیم.»

مهناز افشار هم از کسانی بود که در این رابطه یک توییت منتشر کرد. تویییتی به این شرح: «کودکان همسایه به ما پناه آورده‌اند، حداقل به آنها فرصت آموختن و خواندن بدهیم تا بتوانند تاریخ سرزمین‌شان را بخوانند»

ترانه بنی‌یعقوب، روزنامه‌نگار هم در همین زمینه مصرعی از یک شعر معروف سروده نجیب بارور را توییت کرد: «هر کجا مرز کشیدند شما پل بزنید.» شعری که بیت‌های

دیگری از آن به این شرح است: هر گجا مرز کشیدند، شما پل بزنید حرف «تهران» و «دوشنبه» و «سرپل» بزنید مشتی از خاک بخارا و گلی از شیراز با هم آرید و به مخروبه کابل بزنید هر که از جنگ سخن گفت، بخندید بر او حرف از پنجره رو به تحمل بزنید پای نوشته‌های بسیاری از کاربران ایرانی می‌شد واکنش کاربران افغانستانی را دید که برای تشکر شعر یا نکته‌ای را نوشته‌اند.

یکی از توییت‌های بسیار پر بازتاب این هشتگ، تویییتی بود که سیدمحمد بطحایی وزیر آموزش و

پرورش در همین باره نوشت. تویییتی به این شرح: «تحصیل علم و دانش در هر شریایطی حق تمام افراد است، تلاش می‌کنم تا دانش‌آموزان هیچ ملیتی از مهر جا نمانند.»

این توییت بیش از ۴۰ بار ریتوییت شد و نزدیک به سه هزار نفر آن را لایک کردند و ۱۴۵ نفر هم براش کامنت گذاشتند. بخش دیگری از نوشته‌ها با این هشتگ هم به کودکان دیگر ملیت‌ها و به‌ویژه کودکان عراقی‌های متولد یا ساکن ایران اشاره می‌کردند که مشکلاتی مشابه دارند. با این حال به گفته برخی از خبرنگاران فعال در تویتر دستور صادر شده فقط شامل تسهیل ثبت‌نام کودکان افغانستانی نبود و شامل همه مهاجران می‌شود. موضوعی که در نوشته وزیر آموزش و پرورش هم با آن اشاره شده بود، آنجا که گفته بود: «تلاش می‌کنم تا دانش‌آموزان هیچ ملیتی از مهر جا نمانند.»



یکشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۹۶ ● شماره صد و هجده

A T I V E N O



«ساختمان نیمه‌کاره - ۱۰۲»

مسعود منشیانی

اول ایمنی بعد کار!

کیان از خیلی پیش ترها پایش لنگ می‌زد. به‌خصوص اوقاتی که خیلی کارش سنگین بود و به پایش فشار می‌آمد. با کیان علاوه بر دوستی و همکار بودن رابطه خویشاوندی هم داریم و از دوران بچگی با هم بزرگ شدیم. وقتی که بزرگتر شدیم با هم دنبال کار گشتیم و کارمان را شروع کردیم. از همان روزها پایش یاری نمی‌کرد و هر چه دکتر رفت و مداوا کرد، افاقه نکرد. به قول خودش دکتر گفته بود که این مشکل مادرزادی است که برای لگن پای راستش ایجاد شده و باید همین پا و دردهایش را تحمل کند تا از کار بیفتد و بشود آن را عمل کرد. الان دیگر آن اتفاق افتاده و پای کیان دیگر توان حرکت ندارد و خیلی کم می‌تواند در ساختمان کار کند. حالا که ازدواج کرده و فرزندی هم دارد، مجبور است پایش را به تیغ جراحی بسپارد و این یعنی چند ماهی بیکارشدن و شروع روزهای سخت خانه‌نشینی و مضیقه مالی. متأسفانه در همین گیرودار بیمه کارگران ساختمانی هم که با هزار مشکل رفت‌وآمد، تحت پوشش آن درآمده به مشکل خورده و تا یک ماه دیگر نمی‌تواند از آن استفاده کند. خلاصه رفیق زحمت‌کش ما با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده و امید دارم هرچه زودتر همه چیز برایش درست شود. بچه‌های ساختمانی هم که همه از دردسرهای کیان آگاه شده‌اند هر کدام به طریقی می‌خواهند به او کمک کنند. دیروز هم عده‌ای از دوستان کارهای ناتمام او را که این روزها توان تمام کردن آن را ندارد به پایان رساندند تا با خیالی راحت‌تر با بیماری‌اش مبارزه کند. «این هفته مجبور شدم علی‌رغم میل باطنی روی داربست بروم و در ارتفاع بالا کار کنم. از آخرین باری که در ارتفاع خیلی بالا و روی داربست کار کرده بودم تقریباً پنج سالی می‌گذشت و اکثر کارهایم روی زمین یا طبقات مختلف ساختمان بود. به اتفاق محسن که همیشه یار و یاور من است از صبح زود روی داربست رفتیم. داربستی که اصلا بچه‌ها روی آن مسائل ایمنی را رعایت نکرده بودند و مجبور شدم کلی محکم‌کاری کنم تا قابل کارکردن شود. تا ظاهر مشغول کار بودیم که به یک‌باره محسن پایش لیز خورد و چیزی نمانده بود که از همان ارتفاع زیاد به پایین پرتاب شود که به لطف خدا و شانس زیاد خودش وسط راه دستش را به میله‌ای گرفت و خودش را نجات داد. واقعا صحنه وحشتناکی بود و نزدیک بود به فاجعه ختم شود. متأسفانه محسن توجه چندانی به رعایت مسائل ایمنی کار ندارد و بدون کفش مخصوص و محاظا لازم کار می‌کند و به خاطر همین ایمن نبودن کفش‌هایش داشت کار دست خودش و ما می‌داد.»

مطلبی چند روز قبل در یکی از سایت‌های اینترنتی خواندم که آمار مرگ و میر کارگران ساختمانی را در حین کار روزی پنج نفر عنوان کرده بود. آمار بسیار فاجعه‌باری که اکثر آنها به خاطر رعایت نکردن اصول ابتدایی ایمنی کار بود. اصولی که یا به وسیله کارفرما یا خود کارگر رعایت شده است.

در خیلی از موارد کارفرماها به خاطر پایین آمدن مخارج ساخت‌وساز از بسیاری از آنها سرباز می‌زنند. اما در برخی از موارد کارفرماها این امکانات ایمنی را فراهم می‌کنند، اما خود کارگرها آنها را استفاده نمی‌کنند و این آمار تکان‌دهنده به وقوع می‌پیوندد. اتفاقی که دیروز برای محسن افتاد از قسم دوم بود. چون حاج‌علی مثل بقیه پروژه‌هایش روی ایمنی این ساختمان هم خیلی حساس است.